

کتاب انزله المظلوم لمن شهد و رأى آیات ربّه الکبرى و فاز بما كان مذکوراً فی کتب الله ربّ العالمین ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۶۷۵

هو المقتدر المختار

کتاب انزله المظلوم لمن شهد و رأى آیات ربّه الکبرى و فاز بما كان مذکوراً فی کتب الله ربّ العالمین طوبی لمن عرف ما
خلق له و نعیماً لمن تمسک بحبل الله العليم الحکیم قد حضر کتابک لدى المظلوم رأیناه و سمعنا ما فيه اجنناک بلوح به
نادی المناد الملک لله العزیز الحمید

یا افنانی علیک بهائی و عنایتی قد فاز ندائک باصغائی و کتابک بلحاظی انّ ربّک هو السّامع المجیب اذ کر الاّیام الّتی کنت
فیه قائماً امام وجه ربّک و قاعداً لدى عرشه العظیم انت الّذی سمعت النّداء و اقبلت الی الأفق الأعلى و شربت رحيق
العرفان من ید عطاء ربّک الکریم قد قدر لک من قلم القدم ما لا يعادله العالم کذلک بشّرک المظلوم فی سجنه الأعظم
لتشکر ربّک الغفور الرّحیم اذا فزت بلوحی و شربت رحيق الوحی من کؤوس کلماتی قل

الهی الهی لک الحمد بما قرّبتنی الیک و احضرتنی فی بساطک و شرفّتنی بلقائک و سقیتنی کوثر بیانک و عرفّتنی نبأک
العظیم و صراطک المستقیم انا الّذی یا الهی کنت غافلاً علّمتنی ظهورات عنایتک و کنت راقداً ایقظتنی ید جودک و
کنت بعيداً قرّبتنی شؤونات فضلک کیف اذ کر یا الهی بدائع عنایتک و ما انزلت لی من سماء مشیتک و جبروت
ارادتک قد احاطت بی آثار قلبک الأعلى و رحمتک الّتی سبقت الأشياء بحیث جعلتنی من افنان سدرتک و نسبتنی الی
نفسک و عزّرتک لو یكون لی الف روح فی کلّ حین و افدی به فی سبیلک لا تعادل بقطرة من بحر عطائک و جذوة من
نار شجرة امرک ای ربّ ایدنی علی ذکرک و ثنائک و خدمة اصفیائک و عزّرتک یا مولیّ الأسماء و فاطر السّماء احبّ
ان تجعلنی فی کلّ الأحوال منجذباً بآیاتک و متوّراً بنورک و متشبّثاً بأذیال ردآ کرمک و ناظراً الی افقک و اكون علی
شأن لا یمنعنی ما فی العالم من القوّة و القدرة و السّطوة انّک انت المقتدر علی ما تشاء و فی قبضتک زمام الأشياء اسألك
یا مظهر البینات و منزل الآیات بکتابک المبین و ما فيه من اسرارک و عرفانک و بشموس المحبة و الوداد الّتی اشرقت من
آفاق افئدة المخلصین من عبادک ان تکتب لی ما یحفظنی عن الّذین نقضوا عهدک و کفروا بیرهانک و جادلوا بآیاتک و



ORIGINAL

انكروا حَقَّك اى رَبِّ ترانى خاضعاً لوجهك و خاشعاً لأمرک قَدَّر لى خير الآخرة و الأولى انَّك انت مولى الورى و
رَبِّ العرش العظيم و الكرسى الرَّفيع

يا افنانى سبب تأخير جواب انقلاب اين ارض بوده از اول ايام تا حين مظلوم دست اعدا بوده اگرچه قوت و شوكت و
اقتدار اهل عالم نفوذ كلمه عليا و اقتدار قلم اعلى را منع ننموده و نخواهد نمود ولكن چون مظلوميت نزد حق مقبول بوده و
هست لذا محلّ تعديهاى ظالمين و معتدين واقع و فى تبديل السّجن بالجنة العلياً لايات للمتفرسين و بينات للمتبصرين آنچه در
الواح از قلم اعلى جارى شده ظاهر گشته و ميگردد از حقّ ميطلبيم ترا مؤيد فرمايد بر آنچه رضاي دوست در اوست
بعضى از افنان عليهم بهاء الرحمن طائف حولند و در ظلّ قباب عظمت ساكن و مستريح و بعد الامر بيده يفعل ما يشاء و
يحكم ما يريد و هو المقتدر القدير

و اينكه در باره گرفتارى خلق و عدم شعورشان ذكر نموديد حقّ لا ريب فيه آنچه بر اهل ارض وارد شده و ميشود از
جزاي اعمالست انسان و جميع اشياء متحير حزبي در قرون و اعصار يا قائم گفتند و بالآخره شهيدش نمودند يا افنانى يومى
از ايام در ارض طاء كه مقرّ سلطنت ايران است مثنى مينموديم بغته از كلّ جهات حنين مرتفع بعد از توجه ناله منابري
كه در مدن و ديار آن اقليم است اصفا شد و باين كهات ذاكر الهى الهى خاتم رسل و سيد كل رسول الله روح ما سواه
فداه ما را از براى ذكر و ثنائى تو ترتيب داده مقصود آنكه بر ما ذكر حقّ و ثنائى و ثنائى اوليائش مرتفع گردد و حال
معشر جهلا بر ما بسبب و لعن حضرت مقصود مشغولند الهى الهى ما را نجات بخش و از انفس مشر كه حفظ نما در
جواب اين كلمه عليا از لسان مالك اسماء نازل انا قبلنا البلايا لاظهار الامر و نصبر فيها انه هو السّتر يا مكرم بالسّتر الجليل
و هو الصّبار يوصيكم بالصّبر الجميل يا افنانى يك منبر از منابر ايران باقى نه مگر آنكه بر آن حقّ جلّ جلاله را سب نمودند و
گفتند آنچه را كه ذكرش ممنوع است اگر رحمت حقّ سبقت نگرفته بود كل هلاك ميشدند دو امر سبب ابقا شده يكي
عفو الهى و ديگر اعمال بعضى از نفوس كه خود را بحقّ نسبت ميدادند از حقّ ميطلبيم نائمين را آگاه نمايد و غافلين را بنور
دانائى منور فرمايد اوست مقتدر و توانا از مقصود عالميان مسئلت مينمائيم آن جناب و منتسبين را موفق فرمايد بر آنچه كه
عرفش بدوام ملك و ملكوت باقى و پاينده است

ذكر جناب افنان الذى سمى بحمد قبل باقر از قلم اعلى جارى بذكري فائز شده كه در كتاب الهى از قلم قدم ثبت گشته
انّ ربّك هو الفضال الكريم البهاء المشرق من افق سماء عنايتى عليك و على من معك و يحبّك لوجه الله ربّ العالمين
جناب امين لازال ذكر شما و افنان را نموده مراسلاتى كه به عبد حاضر ارسال داشته هريك بذكر افنان مزين بوده
حال بآن سمت توجه نموده لذا او را ذكر مينمائيم بذكر بديع ليجذبه و افنانى الى الله ربّ العالمين امروز عرف ظهور عالم را
احاطه نموده لكن اكثري محرومند از حقّ ميطلبيم اوليائى خود را مؤيد فرمايد بر آنچه سزاوار يوم الله است بارى امين در
هر محل و مقام كه هست ذكر مظلوم را باو برسانيد ليفرح و يكون من الشّاكرين